

زبان‌شناسی و گویش‌های ایرانی

سال ۷، شماره ۱، پیاپی ۱۰ (بهار و تابستان ۱۴۰۱) شماره صفحات: ۸۵ - ۱۰۴

جنس دستوری در زبان خُصی

طیبه قاسمی^۱، آمنه زارع^{۲*}، محمدحسین شرف‌زاده^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، فارس، ایران.
۲،۳. استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، فارس، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی ویژگی جنس دستوری در خُصی می‌پردازد. این زبان از خانواده زبان‌های هند و آریایی است که در روستاهای «خُلو» و «گُتاو» در استان هرمزگان بدان تکلم می‌شود. خُصی این ویژگی دستوری به ارث رسیده از زبان سندی را از دیرباز تاکنون حفظ کرده است. داده‌های این تحقیق با ضبط گفتار گویشوران بومی جمع‌آوری شده است. پس از تحلیل داده‌ها با توجه به رویکرد کوربت (۱۹۹۱)، شیوه تشخیص جنس دستوری در واژه‌های مشتق، مرکب و وام‌واژه‌ها تعیین شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که جنس دستوری در خُصی در افعال و وابسته‌های اسمی مانند صفات (ساخت وصفی و صفت برتر)، ساخت ملکی، حروف تعریف (معرفه و نکره) و اعداد مشاهده می‌شود. محدودیت‌هایی بر مطابقت میان اسم و وابسته‌های آن از نظر جنس دستوری اعمال می‌شوند. جنسیت در افعال، تنها در صورت گذشته و مفرد مشاهده می‌شود و فعل ربطی «شدن» در زمان گذشته و به شکل مفرد دارای تمایز جنس دستوری مذکر و مؤنث است. در بیش‌تر وابسته‌های اسمی تنها شکل مفرد اسم تمایز جنس دستوری دارد و هسته اسمی به صورت جمع فاقد جنس دستوری است.

واژه‌های کلیدی:

استان هرمزگان
جنس دستوری
زبان خُصی
زبان سندی
مطابقت

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۱۴ بهمن‌ماه ۱۴۰۰

پذیرش: ۴ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱

* آدرس ایمیل نویسنده مسئول: a86.zare@yahoo.com

۱. مقدمه

زبان خُصی در استان هرمزگان، در شهرستان بستک و در دو روستای خُص و گُتاو رواج دارد. مطابق مطالعات صورت گرفته از سوی نگارنده این پژوهش، این زبان یکی از زیرشاخه‌های خانواده زبان‌های هند و آریایی بوده است که ریشه آن به زبان سندی^۱ بازمی‌گردد. سندی زبان تاریخی ایالت سند و مردمان سند می‌باشد که تأثیرهایی از زبان‌های دیگر مانند اردو، فارسی و بلوچی پذیرفته است. واژه سندی از واژه سانسکریت سیندو^۲ به معنای رودخانه^۳ (نام رودخانه‌ای بنام ایندوس^۴) مشتق شده است. الفباهای عربی و دواناگری^۵ برای نگارش این زبان در هندوستان استفاده می‌شود. ۲۹ میلیون نفر که حدود هشتاد درصد آن‌ها مسلمان هستند، در ایالت سند پاکستان و منطقه کچ هند، افغانستان و سنگاپور با این زبان صحبت می‌کنند. سندی زبان رسمی استان «سیند» در پاکستان و یکی از ۲۳ زبان رسمی هندوستان محسوب می‌شود. در پاکستان بیش‌تر در مناطق روستایی با این زبان صحبت می‌کنند (رانکوئیست^۶، ۲۰۱۵).

خُص نام روستای کوچ از بخش کوخرد هرنگ شهرستان بستک است که در غرب استان هرمزگان و در ۱۸ کیلومتری شهر جناح واقع شده است. بسیاری بر این باور هستند که این قوم پیش از اسلام از هندوستان به این منطقه مهاجرت کرده و در خُص سکونت گزیده و بعد از ورود دین اسلام به اقلیم فارس، مانند سایر مردم منطقه، دین اسلام را پذیرفته‌اند. بعد از مهاجرت این قوم به ایران، به دلیل وجود مرزهای جغرافیایی و عدم ارتباط ساکنین این منطقه با گویشوران زبان سندی، به تدریج زبان‌شان دچار تغییر و تحولات گسترده‌ای شد. این تغییرات نه تنها شامل تغییرات در حوزه واژگان و لغات زبان، بلکه در حوزه صرف و نحو آن نیز مشاهده می‌شوند به طوری که گویشوران خُصی، قادر به برقراری ارتباط زبانی با گویشوران زبان سندی نیستند و گویشوران این دو زبان، سخنان یکدیگر را درک نمی‌کنند^۷. امروزه تنها ردپای برخی لغات زبان سندی در خُصی مشاهده می‌گردند. هم‌چنین این زبان به شماره ۱۳۴۴ در فهرست آثار ملی میراث ناملموس کشور، به عنوان یک زبان ایرانی به ثبت رسیده است.

^۱ Sindhi

^۲ Sindhu

^۳ river

^۴ Indus

^۵ Devanagari

^۶ Rönqvist

^۷ متونی از زبان سندی توسط پژوهشگر برای گویشوران زبان خُصی خوانده و مشاهده شد که گویشوران این زبان بجز چند کلمه چیزی از آن متن متوجه نشده‌اند. همین روند نیز در میان گویشوران زبان سندی (توسط پژوهشگری که مسلط به زبان سندی بود) انجام شد. گویشوران زبان سندی نیز زبان خُصی را درک نمی‌کردند.

مبحث پیرامون جنسیت دستوری^۱ به عنوان یک مقوله، تقریباً بر تعداد کمی از زبان‌های دنیا تمرکز دارد و غالباً در زبان‌هایی مشاهده می‌شوند که فاقد نظام‌های متداول و معمول هستند. در بسیاری از زبان‌های هندواروپایی جنسیت نشان داده می‌شود (دارای سه طبقه جنس و برخی به دو طبقه کاهش یافته‌اند) در تعدادی از آن‌ها نیز جنسیت به کلی از میان رفته است و فاقد جنس دستوری هستند. پرسش مهمی که در زبان‌شناسی مطرح می‌شود، شیوه تخصیص اسم‌ها به جنسیت‌های مختلف است. زبان‌شناسی که می‌خواهد جنس یک اسم را تعیین کند، از مطابقت^۲ به عنوان یک آزمون استفاده می‌کند. به هر حال گویشوران بومی به منظور تولید مطابقت‌های صحیح و مناسب، باید در خصوص جنسیت یک اسم اطلاعاتی داشته باشند و مقدار این اطلاعات قابل توجه است. گویشوران بومی از جنسیت هزاران اسم اطلاع دارند، اما برای زبان‌آموزان غیربومی آن زبان، این دانش دست‌نیافتنی است. بنابراین این سؤال مطرح می‌شود که چگونه یک گویشور بومی از جنسیت یک اسم خاص و ویژه اطلاع دارد. پاسخ احتمالی آن است که باید جنسیت هر اسم را به خاطر سپرد اما این پیشنهاد، حافظه فوق‌العاده‌ای را می‌طلبد و ظاهراً چنین امری بعید به نظر می‌رسد. اگرچه تعدادی از زبان‌شناسان این موضوع را قبول دارند.

با توجه به اهمیت موضوع جنس دستوری، در این پژوهش تلاش می‌شود تا به ویژگی جنس دستوری در زبان خُصی پرداخته شود. پژوهش حاضر توصیفی است. داده‌های این تحقیق از طریق مصاحبه با گویشوران زبان خُصی جمع‌آوری شده‌اند. جهت استخراج داده‌های این زبان با ۱۰ گویشور زبان خُصی (۳ مرد و ۷ زن) در رده سنی ۳۰ تا ۸۵ سال مصاحبه شده است. سپس داده‌های مذکور در قالب نظام معنایی^۳ و صورتی^۴ کوربت^۵ (۱۹۹۱) تحلیل و نحوه تخصیص جنس دستوری در این زبان بررسی شد.

در بخش دوم این پژوهش، در خصوص پژوهش‌های مرتبط با جنس دستوری در زبان‌های ایرانی توضیح داده می‌شود. در بخش سوم، چارچوب نظری تحقیق ارائه و در بخش چهارم با توجه به داده‌های گردآوری‌شده از زبان خُصی، به جنس دستوری واژه‌ها برپایه چارچوب نظری کوربت (۱۹۹۱) جهت تشخیص و تخصیص نشانه جنس دستوری در این زبان پرداخته می‌شود. موضوع مطابقت جنس دستوری و محدودیت‌های^۶ اعمال شده بر واژه‌های زبان خُصی در این بخش بیان می‌شود. در نهایت، در بخش پنجم، به نتایج و یافته‌های حاصل از این تحقیق اشاره می‌شود. این پژوهش با هدف پاسخ به پرسش‌های زیر انجام شده است:

۱. چه معیاری برای انتساب جنسیت در زبان خُصی وجود دارد؟

۲. رده‌شناسی جنسیت در این زبان چگونه است؟

^۱ grammatical gender

^۲ agreement

^۳ semantic

^۴ formal

^۵ G. Corbett

^۶ restrictions

۲. پیشینه پژوهش

تاکنون تحقیقی پیرامون زبان خلّصی از دیدگاه زبان‌شناسی صورت نگرفته است. بنابراین، به طور خلاصه به برخی از تحقیق‌های صورت گرفته مرتبط با جنس دستوری در سایر زبان‌های ایرانی اشاره می‌شود. از جمله پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه وجود جنس در گویش‌های ایرانی می‌توان به سبزیلیپور (۱۳۹۲) اشاره کرد که جنس دستوری را از منظر دستوری و طبیعی در گویش «تاتی خلخال» بررسی می‌کند. در زبان تاتی اسم‌های مؤنث در حالت فاعلی مفرد، با داشتن پی‌بست بدون تکیه -æ؛ ضمائر ملکی با ð، و فعل‌ها با a از نمونه‌های مذکر خود تمایز دارند. در تاتی علاوه بر واژه‌هایی که بر جنس مذکر و مؤنث دلالت دارند، تکواژهایی نیز یافت می‌شوند که در آغاز بعضی از واژه‌ها ظاهر می‌شوند، تا جنس آن را تعیین کنند.

رضایی و رضویان (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی نظام جنس دستوری در گویش جوشقانی می‌پردازند. به باور آن‌ها، جنسیت دستوری در گویش جوشقانی شامل یک تمایز دوگانه مذکر و مؤنث در تمام اسم‌ها می‌باشد که با اضافه کردن وند æ- در اسم مذکر و وند e- در اسم مؤنث ظاهر می‌شود. در جوشقانی جنسیت تنها به جانداران اختصاص ندارد. هم‌چنین همه جهانیه‌های تلویحی گرینبرگ در مورد جنسیت، در این گویش صادق هستند.

بختیاری و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی سه گویش هورامی تخت، هورامی شمالی و هورامی جنوبی را از لحاظ جنس دستوری مقایسه می‌کنند. یافته‌ها نشان می‌دهند که شیوه استفاده از ویژگی جنس در این سه گویش تا حد زیادی مشابه هستند، اما تفاوت‌هایی نیز مشاهده می‌شوند. کلمه‌های قرضی به شکل جنس مؤنث به گویش هورامی لهون شمالی و به شکل مذکر به گویش لهون هورامی جنوبی و هورامی تخت وارد می‌شوند.

۳. مبانی نظری پژوهش

تعریف جنس دستوری در این پژوهش برپایه نظرگاه کوربت (۱۹۹۱) است. ویژگی اصلی جنس دستوری، مطابقت است؛ یعنی اگر زبانی دارای نظام جنسیتی باشد، آن زبان دارای مطابقت در اسم‌های مختلف نیز می‌باشد. البته شواهدی از مشاهده جنس دستوری در مقوله‌هایی به غیر از اسم‌ها نیز وجود دارد. کوربت (۱۹۹۱) موافق اظهارات هاکت^۱ (۱۹۸۵) است که جنس‌های دستوری طبقه‌هایی از اسم‌ها هستند و در رفتار واژه‌های هم‌نشین با یکدیگر ظاهر می‌شوند. اگر زبانی نظام جنسیتی دارد، رایج‌ترین تعداد جنسیت شامل دو طبقه (مؤنث و مذکر) می‌شود. در زبان‌های هندواروپایی مانند آلمانی این تعداد به سه طبقه (مؤنث، مذکر، خنثی^۲) نیز می‌رسد. در برخی زبان‌ها مانند فرانسوی و اسپانیایی مطابقت هسته اسمی^۳ با صفت نیز وجود دارد.

^۱ C. F. Hockett

^۲ neuter

^۳ head noun

از آن جا که ویژگی اصلی نظام جنسیت مطابقه است، بنابراین از نظام‌های دیگر مانند «طبقه‌نماها» متمایز است. البته این احتمال نیز وجود دارد که یک زبان علاوه بر نظام جنسیت، دارای طبقه‌نما هم باشد. در زبان‌ها معمولاً اسم‌ها براساس جنس زیستی^۲ تقسیم‌بندی می‌شوند (جنس ماده=مؤنث/ جنس نر=مذکر). یعنی با توجه به نظام معنایی جنسیت خاصی (بر پایه و اساس معنای آن اسم) به یک اسم اعطا می‌شود.

کوربت (۱۹۹۱: ۶۲) زبان‌ها را براساس «بارزبودن» یا «پنهان‌بودن» نشانه جنسیت به دو گروه تقسیم می‌کند: گروه اول با جنس دستوری بارز و آشکار شامل زبان‌هایی می‌شود که جنس دستوری را می‌توان در صورت واژه‌ها مشاهده کرد. گروه دوم زبان‌هایی با جنس دستوری پنهان و مخفی شامل زبان‌هایی است که امکان تشخیص جنس دستوری در صورت واژه‌ها وجود ندارد. البته زبان‌هایی هستند که از هر دو معیار صوری و معنایی به طور هم‌زمان استفاده می‌کنند. برخی زبان‌ها مانند ترکی، فارسی و انگلیسی معاصر فاقد جنس دستوری هستند. زبان خُصی نیز در سطح اسم، صفت و فعل دارای دو جنس دستوری مذکر و مؤنث است. اسم‌ها بر اساس معیارهای معنایی یا صوری به جنسیت‌های مختلفی قابل تقسیم هستند. مقوله مطابقه در نظام جنسیت از دو جنبه حائز اهمیت است. ۱. شناسایی و تشخیص جنسیت در کاربرد زبان ۲. ارائه تعریفی از جنس و تعیین تعداد جنس در یک زبان. در ادامه، ابتدا مکان‌های ظهور و بروز رخداد جنس لحاظ می‌شوند، سپس صورت مطابقه جنسیت و محدودیت‌های اعمال‌شده بر آن توضیح داده می‌شوند.

۴. تحلیل داده‌ها

۴-۱. بررسی جنس دستوری واژه‌های خُصی

در این بخش به بررسی جنس دستوری واژه‌های زبان خُصی، براساس دو نظام معنایی و صوری کوربت (۱۹۹۱) پرداخته می‌شود.

۴-۱-۱. نظام معنایی

به اعتقاد کوربت (۱۹۹۱) در نظام معنایی تنها معنای واژه، ملاک و معیار تعیین جنس دستوری به شمار می‌رود. اسم‌های اشاره‌کننده به «زن» یا «دختر» در زبان‌های دارای جنس دستوری مؤنث و اسم‌هایی که به «مرد» یا «پسر» اشاره می‌کنند، مذکر محسوب می‌شوند. برخی نظام‌های معنایی میان اسم‌های جاندار^۳ و بی‌جان^۴ تفاوت قائل می‌شوند و با توجه به این معیار معنایی اسم‌های جاندار را به مقوله‌های مذکر و مؤنث تقسیم می‌کنند. به عبارتی، اسم‌هایی که به چیزهای ماده اشاره می‌کنند «مؤنث» و اسم‌هایی که به چیزهای نر اشاره

^۱ classifiers

^۲ biological

^۳ Animate

^۴ inanimate

دارند، «مذکر» به شمار می‌روند. اسم‌های بی‌جان نیز می‌توانند بدون استثنا یا دارای استثنای ناچیزی باشند (کوربت، ۱۹۹۱). در واقع، معنای واژه برای تشخیص جنس آن کافی است. در خُصی اسم‌هایی نظیر «خواهر»، «مادر»، «زن»، «پدر»، «برادر» و «مرد» وجود دارند که به لحاظ واژگانی دارای ویژگی‌های معنایی مؤنث و مذکر هستند. این اسم‌ها را به‌عنوان جنس-خاص^۱ (مختص جنس مؤنث^۲ و مختص جنس مذکر) در نظر می‌گیرند (هلینگر^۳ و بوفمان^۴، ۲۰۰۱). در جدول (۱) نمونه‌هایی از این اسم‌ها در زبان خُصی و معادل‌شان در زبان سندی آورده شده‌اند.

جدول ۱.

اسم‌های اشاره‌کننده به انسان (مذکر و مؤنث) در زبان خُصی براساس نظام معنایی

Sindhi	Kholossi	Sindhi	Kholossi
Pōtæ/bhau Brother/MASC	pov	pīu father/MASC	p ^h u
ačuč uncle/MASC	babo	Mahu Man/MASC	kozɔɔ
putræ boy/MASC	peter	Gohut Groom/MASC	Været
Urt Woman/FEM	zæyfa ^o	Bherna Sister/FEM	Pen
ačič aunt/FEM	mosi	mbáæ mother/FEM	Mbeæ
ukrič girl/FEM	kiyo	Kenvar Bride/FEM	Væze

در این زبان علاوه بر انسان‌ها، برای اشاره به برخی اسم‌های حیوانات نر و ماده نیز از واژه‌های مختص و خاص متناسب با جنسیت آن‌ها استفاده می‌شود. این اسم‌ها در جدول شماره (۲) آورده شده‌اند.

جدول ۲.

اسم‌های حیوانات دارای جنس دستوری براساس نظام معنایی در خُصی

Gender	Sindhi	Kholossi	Gender	Sindhi	Kholossi
FEM	بزغاله	pæb	MASC	بزغاله	Dæko
FEM	گاو	gow	MASC	گاو	Goto
FEM	الاغ	xær	MASC	الاغ	Karo

^۱ gender-specific

^۲ female-specific

^۳ M. Hellinger

^۴ H. Bußmann

^۵ این واژه از زبان عربی وارد زبان خُصی شده است.

معیار معنایی شامل تعداد زیادی از اسم‌ها نمی‌شود و این انتظار نمی‌رود که همه اسم‌های موجود در باقی مانده^۱ معیار معنایی خنثی باشند. بنابراین معیارهایی به جز ملاک معنایی برای تخصیص جنس دستوری ضرورت دارد.

۴-۱-۲. نظام صوری

در زبان‌ها معیارهای دیگری به جز نظام معنایی نیز برای تمایز جنسیتی اسم‌ها کاربرد دارند، زیرا تنها با اطلاعات معنایی نمی‌توان جنسیت همه واژه‌ها را تعیین کرد و معیار معنایی شامل استثناءهای زیادی می‌شود. اطلاعات واجی، صرفی و نحوی^۲ برای تخصیص جنس دستوری به اسم‌ها به کار می‌روند که به آن ملاک صوری^۳ می‌گویند. قاعده تخصیص جنسیت به واژه‌ها بر پایه ملاک صوری به دو نوع تقسیم می‌شود. الف) ساختار آوایی واژه که شامل اطلاعات واج‌شناسی است. ب) ساختمان واژه که شامل اطلاعات تصریفی و اشتقاقی (ساخت‌واژه^۴) واژه می‌شود و می‌توان از ترکیب این معیارها در تعیین جنس دستوری واژه‌ها استفاده کرد (کوربت، ۱۹۹۱).

۴-۱-۲-۱. ساختار واجی

همان‌طور که اشاره شد، در زبان خلّصی واژه‌های بسیاری از زبان سندی وجود دارند که تغییرات آوایی و واجی داشته‌اند، اما تخصیص جنسیت این واژه‌ها همچنان بر پایه ملاک‌های صوری موجود در زبان سندی صورت می‌گیرد. در زبان خلّصی اسم، ضمیر، فعل، صفت و حرف تعریف دارای جنس دستوری هستند و جنس دستوری اسم‌ها بر پایه نظام صوری (واجی) تعیین می‌شود. این وضعیت در خصوص مقوله‌های دارای جنس دستوری در زبان سندی نیز صدق می‌کند؛ در این زبان جنس دستوری به واج پایانی واژه وابسته است. در واقع، رابطه مستقیمی میان جنس دستوری واژه و واج پایانی آن وجود دارد.

مطابق قواعد واجی^۵ در زبان سندی، اسم‌هایی که به واکه‌های [-ey], [-i], [-æ], [-a] ختم می‌شوند، مؤنث هستند و اسم‌هایی که به واکه‌های [-ow], [-ū], [-u], [-o] ختم می‌شوند، مذکر هستند. برخی اسم‌های بی‌جان از این قاعده آوایی تبعیت نمی‌کنند و معمولاً ملاک دیگری مانند «سایز و اندازه» مصداق مورد نظر مبنا قرار می‌گیرد. برای اشاره به اسم‌های «بزرگ‌تر» از جنس مذکر و اسم‌های «کوچک‌تر» از جنس مؤنث استفاده می‌کنند. برای مثال اسم «در» [dari:a] یک اسم مذکر و «پنجره» [rasi:a] که کوچک‌تر از آن می‌باشد، یک اسم مؤنث است. این قواعد واجی در زبان خلّصی نیز رایج هستند و واکه‌های پایان واژه‌ها تعیین

¹ residue

² syntactic

³ formal criteria

⁴ morphology

⁵ phonological rules

گر جنس دستوری هستند. جنسیت این واژه‌ها در زبان خُصی نیز هم‌چنان حفظ شده‌اند و با وجود تغییرات آوایی و واجی در زبان خُصی با حفظ همان جنس دستوری به این زبان منتقل شده‌اند. اسم‌های موجود در جدول (۳) مذکر هستند. این اسم‌ها در هر دو زبان (سندی و خُصی) جنس دستوری مذکر دارند.

جدول ۳.

اسم‌های دارای جنس دستوری مذکر در دو زبان خُصی و سندی براساس نظام واجی

Kholossi	Sindhi	Kholossi	Sindhi	Kholossi	Sindhi
kæll-o	mæt ^h ō	moxor-o	mækoɾo	aŋ-o ¹	Bēdō
Head-MASC		Ant -MASC		Egg-MASC	
tær-o	taro	kotor-o	kutō	kar-o	Karō
Star-MASC		Dog-MASC		BlackMASC	

اسم‌های ارائه شده در جدول (۴) همگی مؤنث هستند و جنس دستوری مشابه زبان سندی دارند:

جدول ۴.

اسم‌های دارای جنس دستوری مؤنث در دو زبان خُصی و سندی براساس نظام واجی

Kholossi	Sindhi	Kholossi	Sindhi	Kholossi	Sindhi
Gēč-i	ič̣iḡ	Mač-i	mač ^h ī	naɾ-i	naɾī
Neck-FEM		Fish-FEM		throat-FEM	
Mæxx-i	mækki	Mati	miṭī	Mun-i	mani
bee-FEM		Dirt-FEM		BreadFEM	

برخی اسم‌های موجود در خُصی با اسم‌های معادل‌شان در سندی به لحاظ واج آخرشان تفاوت دارند، یعنی واکه آخرشان حذف شده و یا تغییر کرده است. اما تخصیص جنس دستوری به آن‌ها، تابع قواعد واجی حاکم در زبان سندی است؛ به عبارتی، صورت اصلی واژه در زبان سندی، ملاک اعطای جنس دستوری است. شواهدی از این ادعا در جدول (۵) مشاهده می‌شود.

^۱ ظاهراً این واژه از زبان کوتچی (kutchi) وارد خُصی شده است.

جدول ۵.

اسم‌های مذکر در زبان خُصی با حذف واژه پایانی

Kholossi	Sindhi	Kholossi	Sindhi	Kholossi	Sindhi
Kan	Kæn-u	Hat	hæt ^h -u	Dand	d-uāḍ
Ear-MASC	Ear-MASC	Hand-MASC	Hand-MASC	Tooth-MASC	Tooth-MASC
Rat	Ræt-u	Pēč	puč ^h -u	Meter	Muṭr-u
BloodMASC	BloodMASC	Tail-MASC	Tail-MASC	UrineMASC	UrineMASC

۴-۲-۱-۲. ساختار واژه

در زبان‌های دارای جنس دستوری یا فاقد آن، دو فرایند ساخت‌واژه، یعنی ترکیب^۱ و اشتقاق^۲ نقش مهمی در ساخت اسم‌های مختلف ایفا می‌کنند. در زبان خُصی نیز فرایندهای ترکیب، اشتقاق و وام‌گیری از فرایندهای زایا در واژه‌سازی به‌شمار می‌روند، که در این بخش به اختصار پیرامون عملکرد این فرایندها به لحاظ نحوه تخصیص جنسیت در زبان خُصی اشاره می‌شود.

۴-۲-۲-۱-۱. فرایند اشتقاق

یکی از رایج‌ترین فرایندهای واژه‌سازی در زبان‌ها، اشتقاق است. در این فرایند واژه‌های جدید بر پایه اتصال وندهای^۳ اشتقاقی (پیشوند یا پسوند) به پایه‌ای واژگانی یا دستوری ساخته و سبب تغییر مقوله^۴ واژه می‌شود (یول، ۲۰۱۷: ۶۲). در خُصی، صفت‌های مشتق با توجه به جنس اسم‌های به‌کار رفته در آن‌ها، برای هر دو جنس مذکر و مؤنث ساخته می‌شوند. به‌عبارتی، جنس دستوری اسم‌ها تعیین‌گر جنس دستوری صفت‌های مشتق است و افزودن وندهای اشتقاقی تأثیری در تعیین جنس دستوری آن‌ها ندارد. مثال‌های (۱) تا (۷) مؤید این نکته هستند.

1. nɔnar + -kɔ = nɔnarkɔ
ChildMASC.SUFF = childhood.MASC
بچه‌گانه (مذکر) = پسوند + بچه (مذکر)
2. kɔzɔra+ -nɔ = kɔzɔranɔ
ManMASC.SUFF = for men.MASC
مردانه (مذکر) = پسوند + مرد (مذکر)
3. pɔ+ -val = pɔval
BrotherMASC.SUFFlike = brotherlike.MASC

¹ compounding

² derivation

³ affixes

⁴ category

⁵ G. Yule

- برادرانه (مذکر) = پسوند + برادر (مذکر)
4. pu + -zar = puzar
Flower.MASC.SUFFland = flowerlandMASC
گلزار (مذکر) = پسوند + گل (مذکر)
5. dun + -a = duna
Know.NEUTERSUFF = wiseNEUTER
دانا (خنثی) = پسوند (خنثی) + دان
6. čurka + -no
BoyMASC.SUFF = for boy. MASC
پسرانه (مذکر) = پسوند + پسر (مذکر)
7. čurki + -no
GirlFEM.SUFF = for girl. FEM
دخترانه (مؤنث) = پسوند + دختر (مؤنث)

۴-۱-۲-۲. فرایند ساخت واژه‌های مرکب

فرایند ترکیب با کنار هم گذاشتن دو یا چند واژه بسیط یا تکواژ^۱ (آزاد یا وابسته) و تکواژ آزاد دستوری^۲ یا دو واژه غیربسیط، واژه جدیدی می‌سازد. واژه مرکب از دو یا چند واژه ساخته شده و فرایند ترکیب در این کار دخالت داشته است (شقاقی، ۱۳۸۹). با وجود این‌که واژه پایانی نشان‌دهنده جنس دستوری در واژه‌های مرکب در زبان خُصی است، اما اگر واژه مرکب به همخوان ختم شود، آن‌گاه جنس دستوری اولین تکواژ، تعیین‌کننده جنس دستوری آن واژه مرکب است. در مثال‌های (۸) تا (۱۲) نمونه‌هایی از تخصیص جنس دستوری واژه‌های مرکب در زبان خُصی آورده شده‌اند.

8. ketab + xano = ketab-xano
BookFEMhouseMASC = ketabxanoMASC, library
کتابخانه (مذکر) = خانه (مذکر) + کتاب (مؤنث)
9. hæt + bænd = hæt bænd
hæt MASCbænd = hæt bændMASC, bracelet
دست‌بند (مذکر) = بند + دست (مذکر)
10. gæle + kærno = Gælekærno
gæleFEM kærnoMASC = GælekærnoMASC, Necklace
گردن‌بند (مذکر) = بند (مذکر) + گردن (مؤنث)
11. kilil + deres kærno = kilildereskærno
kilil + deres kærnoMASC = kilildereskærnoMASC
کلیدساز (مذکر) = سازنده (مذکر) + کلید
12. kilil + deres kærni = kilildereskærni
Kilil + deres kærniFEM = kilildereskærniFEM
کلیدساز (مؤنث) = سازنده (مؤنث) + کلید

¹ morpheme

² grammatical free morpheme

۴-۱-۲-۳. وامواژه‌ها

شیوه اعطای جنس دستوری به وامواژه‌ها در زبان‌های مختلف بسیار پیچیده است. معیارهای گوناگونی برای تخصیص جنسیت به این واژه‌ها اعمال می‌شود. واژه‌های بسیاری از زبان‌های عربی، فارسی و اردو وارد خُصی شده‌اند و توسط گویشوران این زبان استفاده می‌شوند. قواعد ناظر بر نحوه تخصیص جنسیت به اسم‌ها، به منظور اعطای جنس دستوری بر وامواژه‌ها نیز اعمال می‌شود. برخی اسم‌های قرض‌گیری شده از زبان‌های دیگر با توجه به معیار معنایی و برخی مطابق معیار واجی متداول در زبان خُصی، دارای جنس دستوری می‌شوند.

گویشوران خُصی در خصوص جنس دستوری برخی اسم‌ها (وامواژه‌ها) با یکدیگر توافق ندارند، برای مثال برخی گویشوران سندی، اسم «کتاب» که از زبان اردو^۱ وارد زبان سندی شده، را مذکر و گروهی آن را مؤنث تلقی می‌کنند و این عدم توافق در گفتار گویشوران خُصی نیز مشاهده می‌شود. از طرفی بسیاری از گویشوران غیربومی خُصی در اعطای تخصیص جنس دستوری به اسم‌ها به خصوص وامواژه‌ها اشتباه می‌کنند و جنس دستوری اشتباهی را به برخی اسم‌ها تخصیص می‌دهند. وامواژه‌هایی که به واکه ختم می‌شوند، مطابق قواعد واجی رایج در زبان خُصی دارای جنس دستوری می‌شوند. پاپ‌لاک^۲ و همکاران (۱۹۸۲: ۲۱) اظهار می‌کنند که وامواژه‌ها می‌توانند جزو دسته بی‌نشان باشند و با ورود به یک زبان دیگر، جنسی را می‌گیرند که آن جنس در بردارنده بیش‌ترین بسامد^۳ واژه‌های آن زبان است. از آنجایی که جنس دستوری مذکر، بیش‌ترین تعداد واژه‌ها در خُصی را دارد، بنابراین وامواژه‌ها معمولاً جنس مذکر را می‌پذیرند. مثال‌های (۱۳) تا (۱۸) بیانگر این موضوع هستند.

13. mōsafer xan- ♂ PERSIAN WORD

Hotel- MASC

هتل (مذکر)

14. guf- i PERSIAN WORD

Cellphone- FEM

تلفن همراه (مؤنث)

15. teyyar- æ ARABIC WORD

Airplane- FEM

هواپیما (مؤنث)

16. mavar- æ PERSIAN WORD

Satellite-FEM

ماهواره (مؤنث)

17. antin English word

¹ Urdu language² S. Poplack³ frequency

Antenna – MASC

آنتن (مذکر)

18. kampiter ENGLISH WORD

Computer- MASC

رایانه (مذکر)

۲-۴. مطابقت جنس دستوری

احتمالاً مطابقت در جنس دستوری در سازه‌های بسیاری بازنمایی می‌شود. این امر به خصوص در صفات قابل مشاهده می‌باشد. این‌گونه مطابقت در صفات‌های زبان خُصی نیز یافت می‌شود. در این زبان، صفت پس از موصوف ظاهر می‌شود و صفت با موصوف خود از نظر جنس و شمار مطابقت می‌کند. در ترکیب وصفی، نشانه^۱ اضافه به انتهای ترکیب و به صفت می‌چسبند. نشانه^۲ /-ɔ/ برای موصوف مذکر و نشانه^۳ /-i/ برای مؤنث به کار می‌رود. مثال‌های (۱۹) تا (۲۱) مؤید این نکته هستند.

19. vɛziri sɔnd -i

Morningbeautiful-FEM= beautiful morning

صبح زیبا (مؤنث)

20. pɛtɛ:r nɔk -ɔ

Boysmall-MASC= small boy

پسر کوچک (مذکر)

21. ketab čæng-i

BookgoodFEM= good book

کتاب خوب (مؤنث)

در زبان خُصی، مبنای مقایسه همواره قبل از صفت قرار دارد و با پس‌اضافه^۴ /-tɔw/ ظاهر می‌شود. نشانه صفت تفضیلی^۲ /-tæɪ/ برای جنس مؤنث و مذکر به ترتیب با /-ɪ/ و /-ɔ/ ظاهر می‌شود. در مثال‌های (۲۲) و (۲۳) به این موضوع اشاره می‌شود.

22. he deræxt saf deræxt-en tɔw vɛd-i ri

This tree all tree-PL ABL largeFEM-COMPFEM

این درخت از همه درختان بزرگ‌تر است.

23. hɔ-ven tɔw nɔk-ɔ rɔ

TheyMASC.ABL smallMASC-COMPMASC

کوچک‌تر از آنها

در زبان خُصی از جمله سازه‌های دیگری که دارای مطابقت جنس دستوری هستند، نشانگرهای^۳ مالکیت^۴ هستند و تکواژهای /-jɔ/ و /-jɪ/ به ترتیب نشانگر جنس دستوری مذکر و مؤنث در این زبان است. این

¹ genitive

² comparative

³ marker

⁴ possessives

تکواژهای ملکی به لحاظ جنس دستوری با گروه اسمی مملوک مطابقت نشان می‌دهند. در واقع مالک با گروه اسمی مملوک مطابقت دارد. اشیاء بی‌جان نیز دارای جنس دستوری یعنی مذکر یا مؤنث هستند. مثال‌های (۲۴) تا (۲۷) به این مورد پرداخته‌اند.

24. kiyɔ mo -ji.
Daughter myFEMPOSSCASE= my daughter
دختر من
25. pɔ mo -jɔ.
SmallbrotherMASCPOSSCASE= my small brother
برادر کوچک من
26. mɔtɔr pɔn- oy -ji
Car fathermyFEMPOSSCASE= my father's car
ماشین پدرم
27. zæyæv z:æra -jɔ
ChildrenzæhraMASCPOSSCASE= Zæhra's children
بچه‌های زهرا

در زبان خلّصی، حروف تعریف معرفه^۱ و نکره^۲ نیز مطابقت جنس را نشان می‌دهند و حرف تعریف مستقلی برای بیان مفهوم نکره به کار نمی‌برند، بلکه عدد /hek/ «یک» قبل از اسم‌ها این نقش را برعهده دارد. برای اسم‌های نکره مذکر از /heko/ و برای اشاره به مؤنث از /heki/ استفاده می‌شود. این مورد در مثال‌های (۲۸) تا (۳۰) بررسی می‌شود.

28. hek-o čurko
MASC.INDEFboyMASC
یک پسر
29. hek-i zæyfa
FEM.INDEFwomanFEM
یک زن
30. hek-o bam mæte čere kærd-iyu
MASC.INDEFroof on.LOC shout.pastcont.MASC
One was shouting on the roof
یکی روی پشت بام فریاد می‌زد

همچنین مقوله مطابقت جنس دستوری در افعال^۳ زبان خلّصی نیز مشاهده می‌شود. در این زبان، فعلی اسنادی «شد» از نظر جنس دستوری با نهاد جمله مطابقت دارد؛ برای مذکر از [tɔ] و برای مؤنث از [ti] استفاده می‌شود. مثال‌های (۳۱) و (۳۲) بیانگر این مورد هستند.

31. Ali morxæs to

¹ definite articles

² indefinite articles

³ verbs

Ali release wasMASC

Ali was released

علی مرخص شد

32. Miryæmi morxæs ti

Mæryæm release wasFEM

Maryam was released

مریم مرخص شد

در زبان خلّصی شمار^۱ به لحاظ جنس با اسم بعد از خود مطابقه دارد. عدد یک با پی‌بست‌های [-i] و [o] به ترتیب جهت نمایش جنس مؤنث و مذکر به کار می‌رود. اما در عددهای دیگر برای جنس مؤنث از پی‌بست [-i] و برای جنس مذکر از پی‌بست [-a] استفاده می‌کنند. اعداد همواره پیش از اسم قرار دارند. مثال‌های (۳۳) و (۳۴) این نکته را نشان می‌دهند.

33. dedohik-i zæyfa

ElevenFEMwomen= Eleven women

یازده زن

34. dedohék-o kəzəzə

ElevenMASCmen= Eleven men

یازده مرد

۳-۴. محدودیت بر مطابقه جنس دستوری

محدودیت‌هایی پیرامون مطابقه جنس در کوریت (۱۹۹۱: ۱۲۴) اشاره شده است. به اعتقاد کوریت (۱۹۹۱) همه اعضای متعلق به یک گروه از واژه در هر شرایطی با اسم مطابقت ندارند و جهت مطابقه اسم و وابسته‌های آن مجموعه‌ای از محدودیت‌ها روی آن‌ها اعمال می‌شوند که به محدودیت‌های نحوی، زمانی^۲، شخص^۳، شمار، حالت^۴، طبقه ساخت‌واژی^۵ و واجی تقسیم می‌گردند. محدودیت نحوی با ترتیب و چینش واژه‌ها مرتبط است. از آنجایی که تخصیص جنسیت دستوری در زبان خلّصی ارتباطی با نحوه چینش^۶ فاعل^۷ و فعل ندارد؛ بنابراین این محدودیت در این زبان اعمال نمی‌شود.

۱-۳-۴. محدودیت زمانی

مقوله‌های دستوری گوناگونی امکان مطابقه دستوری را محدود می‌کنند، یکی از این مقوله‌ها زمان است. در خلّصی افعال به لحاظ جنس با جنس فاعل مطابقت دارند؛ تنها در صورتی که فعل، زمان گذشته^۸ و لازم^۱

¹ number

² tense

³ person

⁴ case

⁵ morphological class

⁶ word order

⁷ subject

⁸ past

باشد. در سایر زمان‌ها افعال تنها به لحاظ شخص و شمار با فاعل مطابقت دارند. پسوندهای مطابقت جنسیت برای جنس مذکر /du/ و برای جنس مؤنث /di/ هستند. مثال‌های (۳۵) تا (۴۰) مؤید این نکته هستند.

35. ho korad sett-i
She last night was asleepFEM
She was asleep last night
(او دیشب خوابید (مؤنث))
36. ase jelæk-a-m ke sættan-om
1rstPLpro.clothPL.1rstPLPOSSpro.ACCcase hung1rstPLproclitic.
We hung our clothes
ما لباس‌هایمان را آویزان کردیم.

۲-۳-۴. محدودیت شخص

در زبان خلّصی ارتباط میان جنسیت و شخص در برخی افعال وجود دارد؛ به عبارتی، افعال لازم در زمان گذشته، با فاعل در سه صیغهٔ مفرد^۲ (اول، دوم و سوم شخص مفرد) به لحاظ جنسیت مطابقت دارند، اما در نمودهای ناقص استمراری مانند زمان گذشته استمراری و گذشته مستمر برای دوم شخص مفرد استثنائاتی نیز مشاهده می‌شوند. در این زمان‌ها تمایز جنسیت برای دوم شخص مفرد مشاهده نمی‌شود و در انتهای فعل نشانهٔ جنسیت مؤنث /-di/ به صورت خنثی برای نشان‌دادن هر دو جنس کاربرد دارد.

37. hoven p^hi mæte seta
TheyMASCOrFEM floor on.PostP sleep3rdpl.past=They slept on the floor
آن‌ها روی زمین خوابیده بودند.
38. vændu Vændiv
Gopastcont.3rdPL. MASC/ gopastcont.3rdPL.FEM
He was going /She was going
او می‌آمد (مؤنث/ مذکر).
39. vændiyasu / Vændusu
Go1rstSingFEM/ go1rstSingMASC
I was going(FEM)/ I was going(MASC)
من می‌آمدم (مذکر/ مؤنث).
40. aveh / Ay
Comesimplepast.SecSingMASC/ Comesimplepast.SecSingFEM
You came(MASC) / you came (FEM)
تو آمدی (مؤنث/ مذکر)
41. æčendiv / Æčendiv
Comepastcont.SecSing(MASC or FEM)/ Comepastcont.3rdSingFEM
You were coming / She was coming
او می‌آمد (مؤنث)، تو می‌آمدی (مؤنث یا مذکر)

¹ intransitive

² single

۳-۳-۴. محدودیت شمار

اعطای جنس دستوری به اسم‌ها در زبان خُصی به اسم‌های مفرد محدود می‌شود و اسم‌های جمع با جنسیت «خنثی» ظاهر می‌شوند. برای مثال، فعل اسنادی «شد» با تکواژگونه‌های /ti/ و /tɔ/ به ترتیب برای اشاره به نهاد مؤنث و مذکر به کار می‌رود؛ اما برای اشاره به نهاد جمع از /ta/ استفاده می‌کنند که فاقد نشانه جنس دستوری است. مثال‌های (۴۲) و (۴۳) این نکته را بیان می‌کنند.

42. čurkiyu bidar ta
girlPL wokeup.wasPL
The girls woke up
دختران بیدار شدند.

43. Æhmæd o Æbdollah bimarestan tōw morxæs ta
Æhmæd and Æbdollah hospital ABL release wasPL
Ahmad and Abdollah were released from the hospital
احمد و عبدالله از بیمارستان مرخص شدند.

در افعال زمان گذشته و لازم که به فاعل جمع اشاره دارند، تمایز جنس دستوری مشاهده نمی‌شود. در واقع تنها فاعل‌های مفرد، دارای مطابقت دستوری هستند (اول شخص مفرد، دوم شخص مفرد، سوم شخص مفرد).

44. vehtu / vitiyu
Sit3rdSing.simplepast.MASC/ sit3rdSing.simplepast.FEM
He sat / she sat
او نشست (مؤنث/ مذکر).

45. aveh / ay
ComeSecSing.simplepast.MASC/ ComeSecSing.simplepast.FEM
You came (MASC) /you came(FEM)
تو آمدی (مؤنث/ مذکر).

46. viyo / vey
Go3rdSing.simplepastMASC/ Go3rdSing.simplepastFEM
He went / She went
او رفت (مؤنث/ مذکر).

در این زبان، صفت با موصوف خود از نظر جنس و شمار مطابقت می‌کند. در ترکیب وصفی نشانه اضافه به انتهای ترکیب و به صفت می‌چسبد. نشانه /-ɔ/ برای مذکر و نشانه /-i/ برای مؤنث به کار می‌رود. اگر موصوف جمع باشد، این نشانه‌های اضافه حذف می‌شوند و نشانه جمع /-a/ در انتهای صفت به کار می‌رود؛ به عبارت دیگر، هم موصوف و هم صفت به صورت جمع ظاهر می‌شوند. مثال (۴۷) این موضوع را نشان می‌دهد.

47. zæyfau sɔnd -a
womanPL.beautifulPL(GEN)
Beautiful women
زنان زیبا

۴-۳-۴. محدودیت حالت

مضاف‌الیه نیز با حالت‌نمای ملکی^۱ مذکر /-jɔ/ برای نمایش مالکیت اسم‌های مذکر به کار می‌رود. مضاف در این زبان تعیین‌کننده جنس مضاف‌الیه است؛ یعنی اگر مضاف مذکر باشد (حتی اگر مضاف‌الیه مؤنث باشد) از حالت‌نمای مذکر /-jɔ/ و اگر مضاف مؤنث باشد، از حالت‌نمای مؤنث /-jɪ/ استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، جنسیت مضاف‌الیه نقش تعیین‌کننده‌ای در کاربرد حالت‌نمای ملکی مذکر یا مؤنث ندارد. اگر اسم (مملوک) با صفتی همراه شود، آن‌گاه این حالت‌نمای ملکی حذف شده و تکواژ آزاد ملکی به‌عنوان واژه‌بست بعد از صفت (بعد از نشانه اضافه) ظاهر می‌شود. مثال‌های (۴۸) تا (۵۰) این محدودیت را بررسی می‌کنند.

48. hæɪ ho-ven -jɔ.
Hand pro3rdPLdistance.POSScaseMASC
Their hand
دست آن‌ها
49. sera mɔnoy -ji
Housemother1rstSingPOSSpro.CLITIC POSScaseFEM
My mothre's house
خانه مادرم
50. geFəɪmæ-jɔ geMæsumæ-jɔ tɔw nɔkɔ-ro
Home fatemeh POSScaseMASC. Home fatemeh
POSScaseMASC.ABL/from SmallMASC-COMPMASC.
Fatemeh's house is smaller than masoumh's house
خانه فاطمه از خانه معصومه کوچک‌تر است.

۴-۳-۵. محدودیت واجی

در برخی موقعیت‌ها تمایز جنس دستوری در صفت‌های زبان خُصی مشاهده نمی‌شود. به عبارتی، نشانگرهای جنس دستوری مذکر و مؤنث که به‌صورت واکه‌های /-o/ و /-i/ در انتهای صفت‌ها ظاهر می‌شوند، در برخی صفات وجود ندارد و آن صفت‌ها به لحاظ جنس دستوری خنثی هستند که در مثال‌های (۵۱) تا (۵۴) آمده است.

51. čurki zereng-ø / čurko zereng-ø
girlFEMclever/ boyMASCclever
پسر زرنگ، دختر زرنگ
52. zæyfæ bidzoræt-ø / kozɔɔ bidzoræt-ø
womanFEMcoward / manMASCcoward
مرد ترسو، زن ترسو
53. pətɛ:r akel-ø / pen akel-ø
SmallboyMASCwise / sisterFEMwise

¹ possessive case marker

خواهرِ عاقل، پسرِ عاقل

54. mosi badzoræt-ø/ babo badzoræt-ø

auntFEMbrave / uncleMASCbrave

عموی شجاع، عمه شجاع

۴-۳-۶. محدودیت طبقه ساخت واژی

در خلّصی، صفت‌های اشاره «این» و «آن» تمایز جنس دستوری نشان نمی‌دهند. اما تمایز جنسیت میان ضمیرهای اشاره جمع «آن‌ها» و «این‌ها» وجود دارد و ضمیرهای اشاره /hoven/ و /hozen/ به ترتیب به جنس مذکر و مؤنث اشاره می‌کنند. مثال‌های (۵۵) تا (۵۸) مؤید این نکته هستند.

55. ho kəzɔr-ɔ mællem- e

Thatman-MASCteacher.isSing

آن مرد معلم است.

56. he čurki dɔktɔr- e

Thisgirl- FEMdoctor.isSing

این دختر پزشک است.

57. ho-ven čæng -a

TheyMASC- kind.isPL

آن‌ها (مذکر) مهربان هستند.

58. ho-zen viz-en

TheyFEM.sit.PreCont.PL

آن‌ها (مؤنث) دارند می‌نشینند.

۴-۳-۷. محدودیت واژگانی

در زبان خلّصی، میان عدد و اسم بعد از آن به لحاظ جنس مطابقت وجود دارد. عدد «یک» با افزودن واژه‌های /i/ و /o/ به انتهای واژه یک /hek/ به ترتیب جنس دستوری مؤنث و مذکر را نشان می‌دهند. اما در اعداد بزرگ‌تر از یک، با افزودن واژه‌های /a/ و /i/ به انتهای اعداد، به ترتیب جنس دستوری مذکر و مؤنث را نشان می‌دهند. البته جنس دستوری تنها به وابسته‌های اسمی اعداد یک تا صد تعلق دارد و وابسته‌های اعداد بزرگ‌تر از صد (این اعداد از زبان فارسی وارد این زبان شده‌اند) فاقد هر گونه جنس دستوری هستند. مثال‌های (۵۹) تا (۶۳) محدودیت واژگانی را نشان می‌دهند.

59. bæhri motor

twoFEM- carFEM

ماشین (مؤنث)، دو (مؤنث)

60. bæra gɔlas

twoMASC- glassMASC

لیوان (مذکر)، دو (مذکر)

61. vedo hekko kəzɔrɔ

TwentyoneMASC- manMASC

- مرد (مذکر)، بیست و یک (مذکر)
 62. vedo hekki zæyfa
 TwentyoneFEM- zæyfaFEM
 زن (مؤنث)، بیست و یک (مؤنث)
 63. devistoyek kəzɔrɔ
 Twohundred one manMASC
 مرد (مذکر)، دویست و یک

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی ویژگی جنس دستوری در زبان خُصی پرداخته است. این زبان با توجه به نفوذ و گسترش زبان فارسی در معرض خطر و نابودی است. خُصی مطابق طبقه‌بندی کوربت (۱۹۹۱) دارای جنس دستوری بارز و پنهان است. اسم‌هایی که به واکه‌های [o, u, ow, i:] ختم می‌شوند، مذکر و اسم‌هایی که به واکه‌های [a, æ, i, ey] ختم می‌شوند، مؤنث هستند. وام‌واژه‌ها نیز از این قاعده آوایی تبعیت می‌کنند. وام‌واژه‌هایی که با همخوان پایان می‌یابند، معمولاً جنس دستوری مذکر می‌گیرند. در زبان خُصی جنس دستوری تنها محدود به اسم‌های جاندار نمی‌شود، بلکه اسم‌های بی‌جان و اشیاء نیز دارای تمایز جنسیت هستند. شایان ذکر است که در این زبان اسم از لحاظ جنس با فعل، صفات، ضمائر، اعداد و حروف تعریف مطابقت دارد و محدودیت‌های زیادی بر مطابقت میان اسم و وابسته‌های آن مشاهده می‌شود.

در این زبان جنس دستوری تنها در صورت گذشته و مفرد افعال مشاهده می‌شود. فعل ربطی «شدن» در زمان گذشته و در صورت مفرد تمایز جنسیت دارد. تنها در صورت مفرد اسم، تمایز جنسیت مذکر و مؤنث مشاهده می‌شود و هسته اسمی جمع، فاقد هرگونه جنسیت است. گویشوران زبان خُصی از وجود جنس دستوری در این زبان اطلاع دارند و در گفتارهای خود از آن استفاده می‌کنند، اما به دلیل نفوذ زبان فارسی، نسل‌های جدید این منطقه کمتر از این مقوله دستوری استفاده می‌کنند.

منابع

- رضایی، والی و سیدغیاث‌الدین رضویان (۱۳۹۵). نظام جنس دستوری در گویش جوشقانی. *فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی*. ۶ (۱۴)، صص. ۴۳-۶۶.
- سبزه‌علیپور، جهان‌دوست (۱۳۹۲). تمایز جنس مذکر و مؤنث در گویش تاتی خلخال. *زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*. (۲)، صص ۶۵-۸۸.
- شقاقی، ویدا (۱۳۸۹). *مبانی صرف*. تهران: سمت.
- محمودی بختیاری، بهروز، وحید رنجبرچقاکیودی و مینو نساجیان (۱۳۹۸). جنس دستوری در هورامی. *جستارهای زبانی*. ۱۰ (۵) (پیاپی ۵۳)، صص. ۲۰۹-۲۳۲.

References

- Corbett, G. (1991). *Gender*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Hellinger, M., & H. Bußmann (2001). *Gender across languages (volume I)*. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
- Hockett, C. F. (1985). A course in modern linguistics. New York: Macmillan. 1996. What Algonquian is really like. *International Journal of American linguistics*, (32), pp. 59-73.
- Mahmoodi-Bakhtiyari, B., V. Ranjbar Choqakabudi & M. Nassajiayan, (2019). Grammatical gender in Horami. *Linguistic Inquiries*, 10 (5), pp. 209-232. [In Persian]
- Mahmoodi-Bakhtiyari, B., V. Ranjbar Choqakabudi & M. Nassajiayan, (2019). Grammatical gender in Horami. *Linguistic Inquiries*, 10 (5), pp. 209-232. [In Persian]
- Poplack, S., A. Pousada, & D. Sankoff (1982). Competing influences on gender assignment: Variable process, stable outcome. *Lingua*, 58, pp. 1-28.
- Rezaee, V., & G. Razaviyan (2015). Grammatical gender system in Joshghani dialect. *Journal of Iranian Regional languages and Literature* (14), pp. 43-66. [In Persian]
- Rönnqvist, H. (2015). *From left to right and back again: the distribution of dependent clauses in the Hindukush*. MA Thesis, Stockholm University.
- Sabz Alipour, J. (2012). Masculine and feminine gender distinction in Tati Khalkhal dialect. *Persian Languages and Iranian dialects* (2), pp. 65-88. [In Persian]
- Shaghghi, V. (2010). *An introduction to morphology*. Tehran: Samt. [In Persian]
- Yule, G. (2017). *The study of language*. 6th ed. Cambridge: Cambridge University Press.